

جهان نما

تفرقه بینداز و حکومت کن؛
استراتژی جدید پکن
علیه واشنگتن

مریم علامه زاده

همچنان که تنش‌های بین آمریکا و چین بر سر مسائل تجاری و استرداد مدیرعامل ارشد هوآوی شدت می‌گیرد، پکن ادبیات خود را در مورد متحدان آمریکا تغییر داده‌است.

روز سه‌شنبه (نهم بهمن ماه) وزارت امور خارجه چین پس از اعلام ۱۳ اتهام علیه مدیر مالی هوآوی، از کانادا خواست دست از پاچه‌خواری برای آمریکایی‌هایبردارد. کانادا حدود یک ماه قبل منگ‌وانژومدیر ارشد هوآوی را دستگیر و به آمریکا استرداد کرد. یکی از خبرنگاران روزنامه دولتی گلوبال تایمز چین این موضوع را شفاف‌تر بیان کرد و نوشت: نمی‌توانید همچون یک روسپی زندگی کنید و انتظار معبدی برای عفت خود داشته باشید. اگر کانادا بر اقدامات اشتباه خود اصرار می‌ورزد، باید بهای آن را پرداخت کند.

تحلیلگران می‌گویند که چین تلاش دارد با دنبال کردن متحدان آمریکا، این کشور را منزوی کند. دو کانادایی در چین به دلیل اتهامات نامشخص در بازداشت هستند و یک نفر هم که پیش‌تر به دلیل قاچاق مواد مخدر به ۱۵ سال زندان متهم بود، حالا حکم اعدام دارد و گفته می‌شود که این اقدامات بعد از بازداشت منگ به درخواست آمریکا صورت گرفته‌است.

توماس رایت، مدیر مرکز ایالات متحده و اروپا در موسسه بروکینگز واشنگتن در این باره گفت: چین در تلاش برای تفرقه و حکومت است. پکن می‌خواهد بیشترین فشار را بر کشورهای مستقل وارد کند و اجازه متحد شدن آن‌ها را ندهد.

کانادا تنها متحد آمریکا نیست که بر خلاف منافع چین عمل می‌کند، رسانه دولتی چین لهستان را نیز همدست آمریکا خواند و گفت ورشو باید تاوان گستاخی‌های خود را بدهد. مقامات لهستان یکی از کارکنان هوآوی را به اتهام جاسوسی بازداشت کردند.

یک نویسنده استرالیایی - چینی با نام یانگ هنگوان، نیز چند هفته پس از آنکه استرالیا از بازداشت شهروندان کانادا انتقاد کرد، در چین بازداشت شد. مقامات استرالیا البته عنوان می‌کنند که آن‌ها اعتقاد ندارند بازداشت یانگ به پرونده هوآوی مرتبط باشد.



ساماننا هافمن، تحلیلگر امنیت چین در این رابطه گفت: یکی از تاکتیک‌هایی که حزب کمونیست حاکم چین به کار می‌بندد ظاهر آتلانث برای حفظ فاصله بین آمریکا و متحدانش است و این کار را با هدف وادار کردن کشورها برای انتخاب بین آمریکا و چین انجام می‌دهد.

تحت رهبری شی جین‌پینگ در چین، این کشور از سیاست چنددهه‌ای انزوا و حرکت با چراغ خاموش فاصله گرفته‌است تا خود را بیشتر در عرصه بین‌المللی نشان دهد. چین کشورهای بیشتری را با پروژه‌های اقتصادی همچون طرح مسیر ابریشم در گیر خود کرده‌است، طرح سرمایه‌گذاری گسترده جهانی که ۷۰ کشور و نزدیک به یک سوم تولید ناخالصی ملی جهان را مشغول کرده‌است.

همچنان که حضور اقتصادی چین در جهان گسترش می‌یابد، قدرت لای‌گری آن در بین کشورهای عضو ناتو و دیگر شرکای آمریکا به پیش‌تر بیرون از دایره رقابتی آمریکا-چین بودند، توسعه یافته‌است.

روری دانیلز، کارشناس امنیت آسیا و مشاور امنیتی در این باره گفت: پکن با دادن سهمی از تجارت رو به رشد خود به متحدان آمریکا و اجازه استفاده اقتصادی این کشورها از روابط، قدرت تنبیه آن‌ها را در راستای منافع چین، به دست آورده‌است. برخی بر این عقیده‌اند که اقدامات پکن در راستای هدفی بزرگ‌تر برای فروپاشی کلیه اتحادهای بین‌المللی است و در حالی که دونالد ترامپ این سیستم‌های جهانی را زیر سؤال می‌برد، فرصت خوبی برای پیشبرد این هدف از سوی چین فراهم شده‌است.

البته اقدامات چین بسیار سریع و محکم است، بازداشت کمتر از ۱۰ روزه دو شهروند کانادایی و حکم اعدام در واقع حکومت‌های لیبرال دموکرات را دچار چالش می‌کند. چرا که این کشورهای نمی‌توانند اقدام مشابهی علیه چین انجام دهند.

شگرد انتخاباتی صهیونیست‌ها؛

رای را با خون بخر



سید محمد میرزا محمدزاده

چند ماهی بیشتر تا انتخابات صهیونیست‌ها نمانده است، احزاب چپ و راست اسرائیل که باید بر اساس آرا دولت ائتلافی متشکل از ۱۲۰ کرسی را تشکیل دهند، به تقابلی آشکار پرداخته‌اند. حزب کار به‌عنوان قدیمی‌ترین حزب چپ‌گرای اسرائیل که اکنون تنها ۱۹

کرسی را در اختیار دارد، در بدترین شرایط خود طی ۱۶ سال گذشته به سر می‌برد و حرفش کمتر از قبل خربدار دارد.

اوضاع به گونه‌ای پیش رفته است که چپ بودن در نظام سیاسی صهیونیست‌ها بیشتر یک ناشر ا محسوب می‌شود تا ژست سیاسی. با این حال برخی معتقدند مردم همچنان افکار چپ را ترجیح می‌دهند و در عین حال به احزاب راست با همان حزب لیکود حاکم که نتانیاهو آن را رهبری می‌کند، رأی می‌دهند. مسئله آشکار در این تضاد، تبلیغات گسترده رژیم صهیونیستی علیه نژاد عرب و فلسطینیان است. این افکار به گونه‌ای ذهن رأی‌دهندگان را اشغال کرده است که آن‌ها می‌ترسند با رفتن بنیامین نتانیاهو، فلسطینیان بر سرزمین اشغالی مسلط شوند و آن‌ها را آواره کنند. در واقع رأی‌دهندگان صهیونیست تمایل دارند مذاکراتی با فلسطین داشته باشند و منازعات بین دو طرف رفع شود، اما در عین حال نمی‌خواهند این مذاکرات به دست احزاب چپی انجام شود که هیچ سابقه‌ای در دفاع از صهیونیست‌ها ندارند و به عقیده آن‌ها خائن به شمار می‌روند.

چپ‌های صهیونیست حالا مجبورند برای رقابت با نتانیاهوی راست‌گرا، خود را علیه فلسطینیان سهمگین و خون‌ریز نشان دهند؛ گویی ریختن خون فلسطینیان خواسته ذاتی صهیونیست‌هایی است که تحت بمباران رسانه‌ای همواره بر این عقیده‌اند که خود و نه فلسطینیان مورد ظلم واقع شده‌اند و هر لحظه در معرض تهاجم قرار دارند.

چپ‌های منفور

رسوایی فساد بنجامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی که این روزها تیت‌ر رسانه‌های جهان شده است، باید که تحفه‌ای پیشکش رقبای انتخاباتی وی در حزب چپ میانه باشد؛ با این وجود این حزب

در گیر منازعات داخلی خود است و بزرگ‌ترین حزب چپ میانه موسوم به حزب کار اسرائیل در گیر شورش‌های داخلی است. همواره در دموکراسی‌های دنیا این داستان رخ می‌دهد: فروپاشی احزاب جایگزین چپ میانه و در همین حال خیزش پوپولیسم راست افراطی و در نتیجه افزایش قطب‌گرایی سیاسی.

اما در اسرائیل احزاب چپ یک مشکل سخت ویژه دارند. آن‌ها نمی‌توانند خود را از شکست فرایند صلح که از سوی حزب کار ۲۵ سال پیش با امضای توافق صلح اسلو آغاز شد، رها کنند. از آن زمان به بعد، آرای حزب کار رو به افول بوده است و حالا حزب بنیان‌گذار رژیم صهیونیستی و خانه کله‌گنده‌های ملی همچون نخست‌وزیران دیوید بن‌گوریون و گلدا مئیر تنها سه ماه مانده به انتخابات سراسری، به حد بالایی بحران رسیده است و نظرسنجی‌ها حاکی از آن است که این حزب هشت یا در بهترین حالت ۹ کرسی از ۱۲۰ صندلی دولتی را از آن خود خواهد کرد که نسبت به ۱۹ کرسی کنونی بسیار ناچیز است.

درواقع دیگر رأی‌دهندگان چپ میانه در مسیر خود قرار ندارند. بر اساس بررسی‌ها، کمتر از ۲۰ درصد از صهیونیست‌ها حالا خود را چپ یا چپ میانه می‌دانند. در واقع نتانیاهو با استهزای چپ‌گرایان با عنوان «چی‌ها» هوشمندی به خرج داد و به عقیده تحلیلگران سیاسی اقدام وی، جواب خود را پس داد و حالا هر کس که با این نام خوانده شود، به معنای آن است که منافع فلسطینیان را بر منافع صهیونیست‌ها راجع می‌داند.

نتانیاهو که در طول دهه گذشته همواره نخست‌وزیر سرزمین اشغالی بوده است، این‌طور وانمود کرده که

پرونده‌های قضایی که تاکنون علیه وی مطرح شده‌اند، ساخته و پرداخته احزاب چپ صهیونیست‌ها بوده است، چرا که آن‌ها نمی‌توانستند وی را در صندوق‌های رأی شکست دهند. پلیس ادعا می‌کند که وی در سه پرونده فساد متهم است و آویشای ماندللیت، دادستان عمومی رژیم صهیونیستی، در پی آن است که شاید محکومیتی را پیش از انتخابات اعلام کند.

گابی و انحراف چپ

تحلیلگران سیاسی بخشی از مشکلات اخیر حزب کار صهیونیست‌ها را ناشی از رهبری آن می‌دانند. حزب کار در سال ۲۰۱۷، تلاش برای فرونشاندن درد ریزش حامیان و همچنین کاهش جنبه چپ‌گرایی حزب، آوی گابی، یک میلیونر صهیونیست که دارایی خود را از حاشیه تأمین‌کننده اخیر تجهیزات مخابراتی این رژیم به دست آورده است را به‌عنوان رهبر خود انتخاب کرد.

تنها یک سال پیش از آن، گابی وزیری در کابینه نتانیاهو بود، نماینده یک حزب میانه کوچک که وی برای پایه‌گذاری آن کمک کرده بود. انتخاب گابی به‌عنوان رهبر حزب کار منجر به پایین کشیدن بسیاری در این حزب شد که حالا خواهان خروج وی از رهبری هستند.

شکاف در صفوف مخالفان زمانی برای عموم آشکار شد که گابی در یک برنامه زنده تلویزیونی، ناگهان از حزب تسمیعی لیونی، وزیر امور خارجه سابق و شریک ائتلافی خود اعلام برائت کرد و او کسی بود که حزیش با حزب کار ائتلاف کرده بود. حزب لیونی بدون متحد به‌سختی می‌تواند کرسی در دولت ائتلافی به دست آورد.

در کمپین انتخاباتی اخیر حزب



در اسرائیل احزاب چپ یک

مشکل سخت ویژه دارند.

آن‌ها نمی‌توانند خود را از

شکست فرایند صلح که

از سوی حزب کار ۲۵ سال

پیش آغاز شد، رها کنند. از

آن زمان به بعد، آرای حزب

کار رو به افول بوده است

کار که در تل آویو بر گزار شد، فضای حاکم بیشتر شبیه به یک قیام بود. تامر پاینز، فعال حزب در شکایت از این اوضاع گفت: او مدیرعامل یک شرکت بزرگ است که حزبی محافظه‌کار را ایجاد کرده و حالا رهبر حزب شده! این مسخره است. وی عنوان کرد جذب مردم به حزب کار بسیار دشوار شده است. پاینز عنوان می‌کند به‌عنوان رهبر حزب جوانان کار، این وظیفه برای او سخت‌تر شده است. حزب کار جایگاه خود را از دست داده است، حزب سوسیالیست مهاجران صهیونیست که جوامع آن‌ها را شکل داد و حالا طرفدارانش همه به سمت راست تمایل دارند. به گفته پاینز رهبری کنونی حزب بدون شک بدترین نوع رهبری است.

در جریان کمپین درحالی‌که جمعیت گابی را هو می‌کرد، وی خطاب به هم حزبی‌هایش گفت: می‌خواهم به همه تبریک بگویم که با وجود همه اختلاف‌نظرها و صداهای متفاوت در یک حزب گرد آمده‌ایم و با وجود همه انتقادها و فریادها هم‌فکری می‌کنیم. او وعده تغییر داد و گفت با فلسطینیان مذاکره می‌کند و گفت برابری را به قانون اساسی بحث‌برانگیز صهیونیست‌ها اضافه می‌کند و هزینه‌زدگی را پایین می‌آورد. او گفت: ما سخت تلاش می‌کنیم

که سورپرایز بزرگی باشیم؛ اما دیگر سخنرانان حزب ظاهرآ با حرف‌های او متقاعد نشدند.

آیلت نامیاس وربین، یک عضو کنست (مجلس صهیونیست‌ها) و نماینده حزب کار گفت: ما همه سیاهی‌لشکرانی در نمایش مردی هستیم که ظاهرآ به دنبال تشکیل حزب گابی است. از زمان شیوع خشونت با شروع انتفاضه دوم فلسطینیان یا خیزشی که در سال ۲۰۰۰ آغاز شد، صهیونیست‌ها آرام‌آرام و پیوسته به سمت راست تغییر مسیر دادند. نتانیاهو کسی که زمانی مدعی حمایت از راهکار دو دولتی بود، دیگر خود را درگیر این مسئله نمی‌کند.

انتفاضه و تغییر فضای سیاسی

گیل هافمن، خبرنگار ارشد سیاسی در روزنامه جورسلیم پست در این رابطه گفت: در آمریکا احزاب چپ با معانی مختلف تعریف می‌شوند، در بریتانیا نیز منابع مختلفی را شامل می‌شود، اما در اینجا راست و چپ صرفاً با رویکردشان نسبت به فلسطین تعریف می‌شوند. وی افزود: پس از فرایند صلح، انتفاضه فلسطین و موشک‌هایی که بر سر تل آویو آوار شدند مسیر بلندی را برای چرخش میانه‌روها و حتی چپ‌گرایان برای چرخش به سمت راست هموار کرد. از منظر صهیونیست‌ها، مسئله فلسطین دیگر مسئله فشار سیاسی که زمانی مطرح بود، نیست. در تحقیقی موسوم به شاخص دموکراسی اسرائیل که از سوی موسسه دموکراسی اسرائیل تابستان گذشته انجام شد، آمده است که برای اولین بار در طول ۱۶ سال گذشته، صهیونیست‌های یهودی دیگر بزرگ‌ترین مناقشه در جامعه صهیونیست‌ها را ادعای بین یهودیان و عرب‌ها نمی‌دانند، بلکه بر اساس این تحقیق منازعه اصلی حالا بین راست و چپ است.

امروز در سرزمین اشغالی بیان صفت «چی» به دنبال اسم هر کس، بار خیانث را به دنبال دارد. ییلاد هیرشبرگر، محقق روانشناسی سیاسی در مرکز بین رشته‌ای هرزلیا در این باره گفت: امروز لغت «چی» در فرهنگ عبری یک واژه رکیک و به‌نوعی نفرین به شمار می‌رود.

یائیر، بزرگ‌ترین پسر نتانیاهو، کسی که مدیریت کمپین حزب راست پدر، یعنی حزب لیکود را بر عهده دارد و برای مطالب بحث‌برانگیز پذیر (Resilience Party) انتشار ویدئویی بوده است که در آن او به دلآوری خود به‌عنوان فرمانده نظامی در دوران جنگ سال ۲۰۱۴ بین صهیونیست‌ها و حماس می‌بالد که در آن دو هزار و ۲۰۰ فلسطینی به شهادت رسیدند.

انجمن‌های چپ از سوی دولت‌های خارجی و دشمن پایه گذاشته شده‌اند، سیاستمداران چپ و رسانه‌هایشان که همواره طرف دشمن را می‌گیرند و خلاف کسانی که اهمیتی به قربانیان ترور مهاجران یا قربانیان جاسوسی‌ها نمی‌دهند و با این حال برای شورشیان فلسطینی که در مرز غزه آسیب می‌بینند، همدردی می‌کنند، تروریست هستند.

اما هیرشبرگر عنوان کرد صهیونیست‌های بیشتری، نسبت به افرادی که مشتاق رأی دادن به چپ‌ها هستند، ارزش‌های چپ را در خود می‌پرورانند.

در حالی که تنها بین ۱۶ تا

۱۸ درصد خود را چپ‌گرایا

چپ میانه معرفی کردند،

در جواب این که آیا ترجیح

می‌دهند با فلسطینیان

مذاکره کنند یا خیر،

۴۵ درصد پاسخ دادند

که راهکار دو دولتی را

بر می‌گزینند

مذاکره اما با خشونت

او با اشاره به بررسی که از سوی نهاد فرماندهان امنیت اسرائیل انجام شده بود عنوان کرد: درحالی‌که تنها بین ۱۶ تا ۱۸ درصد خود را چپ‌گرایا چپ میانه معرفی کردند، در جواب این که آیا ترجیح می‌دهند با فلسطینیان مذاکره کنند یا خیر، ۴۵ درصد پاسخ دادند که راهکار دو دولتی را بر می‌گزینند و ۳۰ درصد بیشتر از این میزان عنوان کردند که از خروج یک‌جانبه صهیونیست‌ها از مناطق اشغالی کرانه باختری شامل اراضی سازش شده، حمایت می‌کنند.

وی گفت: این نتیجه، تناقض سیاسی صهیونیست‌ها را آشکار می‌کند. مردم افکار چپ دارند، اما مخالف احزاب و سیاست‌مداران چپ هستند.

دالیا شیندلین، یک کارشناس سیاسی که در پنج کمپین انتخاباتی رژیم فعالیت کرده است عنوان می‌کند که اگر چالشی پیش روی نتانیاهو باشد، آن چالش از سمت میانه‌روها است.

به گفته تحلیلگران، بنی گانتز، یکی از برجسته‌ترین نوظهورهای سیاسی است که به نظر می‌رسد افکار چپ میانه داشته باشد و بر همین اساس نتانیاهو به سرعت به وی برچسب چپ‌گرایی زد و در ویدئویی که از سوی کمپین وی منتشر شد، به‌وضوح گانتز را یک چپ‌خواند و بعد برخی وابستگی‌های چپ در بین مشاورانش را به انتقاد گرفت.

شیندلین، گفت: درحالی‌که

کاندیداتوری نتانیاهو همه‌های

ایجاد کرده است، هر کسی که به

رقابت با نتانیاهو بپردازد، مسیر

سختی را بر گزیده‌است. نکته کلیدی

برای رقبای بازگرداندن رأی‌دهندگان

راست میانه است.

گانتز تلاش دارد به این اقدام

بپردازد. یکی از اقدامات اخیر

حزب جدید وی، موسوم به حزب

انعطاف پذیر (Resilience Party)

است که در آن او به دلآوری خود به‌عنوان

فرمانده نظامی در دوران جنگ سال

۲۰۱۴ بین صهیونیست‌ها و حماس

می‌بالد که در آن دو هزار و ۲۰۰

فلسطینی به شهادت رسیدند.

در این ویدئو تصاویری از

ساختمان‌های تخریب شده به

نمایش درمی‌آید که به‌وسیله پهباد

گرفته شده است و موزیکی درام

بر روی آن خودنمایی می‌کند.

زیر تصویر صدا روایت می‌کند

که: ۶۲۳۱ هدف تخریب شدند.

۱۳۶۴ تروریست کشته شدند.

همیشه قوی‌تر برنده است، گانتز،

اسرائیل را راجح بر همه چیز

می‌داند.

هیرشبرگر گفت: کسی که

می‌خواهد از جبهه چپ در انتخابات

پیروز شود باید نشان دهد که خون

از چنگالش می‌چکد، باید نشان دهد

که برای اسرائیل و نه هیچ‌کس دیگر

می‌جنگد.